نقش برجسته‌ای از «جیدا میارام»

«بهاراتا ناتیام»

رقص هندی[1]

در پهنهٔ کشور پهناور هند و درسایهٔ فرهنگ‌های محلی بیشماری که در این سامان نضج یافت ، بسیاری از اسلوب‌های رقص هندی پدید آمد . از این میان رقص‌های «بهاراتا ناتیام» (Bharata Natyam)، «کاتاکالی» (Kathakali)، «کاتاك»(Kathak) و«مانی‌پوری» (Manipuri) بعنوان‌مکاتب اصیل‌رقص‌شمرده می‌شود . بی‌شك هریك از این شیوه‌های رقص علامات واختصاصاتی مخصوص به‌خود

---

۱ ــ نوشتهٔ «ا . کریشنا لیر»(E . Krishna Lyer)

دارد . بااین همه این حقیقت را از نظر دور نمی‌توان داشت که درمیان این شیوه‌ها «بهاراتا ناتیام» از همه قدیم‌تر و پرسابقه‌تر بوده است . این رقص از همهٔ رقص‌ها بیشتر پیشرفت کرده ومعروف‌ترین رقص عامیانهٔ هندی است . تاهفتصد سال پیش‌این شیوه تنها رقصی بود که پیشرفت یافته ومتداول شده بود و در سرتاسر هند از کشمیر تا «کانیاکوماری» (Kanyakumari) مورد توجه همه بود .

یکی ازاختصاصات این رقص این‌بود که یکی ازقسمت‌های تغییرناپذیرمراسم دعا درمعبد را تشکیل می‌داد ونه‌همان در جنوب هند بلکه درشمال نیز اجرا می‌شد . «آبهینایاگوپتا» (Abhinaya Gupta) ازعلمای بزرگ آئین «سیوا» (Siva) و پیرشهر «کشمیر» تفسیری دقیق دربارهٔ یکی از قسمت‌های این رقص بنام « ناتیا ـ شاسترا» (Natyashastra) نوشته‌است . و نیز گفته می‌شود که « جایادوا » (Jayadeva) شاعر اهل‌بنگال بااستفاده ازرقص همسرش‌شرحی به‌این تفسیرافزوده است. دردورهٔ رونق حکومت شاهان‌سلسله «گوپتا» وپس ازآن، ظاهراً این رقص به کشورهای جنوب خاوری‌آسیا مانند جاوه، کامبوج وسیام راه یافته‌است و هنوزهم دراین کشورها به‌صورت‌های گوناگون رواج دارد .

نبردهای پی‌درپی ومعضلات سیاسی و برخورد فرهنگ‌های بیگانه در شمال هند سبب شد که این رقص در آنجا رو به‌زوال نهد واز سنت‌های رقص کلاسیك و عامیانهٔ آن ناحیه خارج شود و به‌یکباره فراموش گردد . اگرچه درشمال هند موسیقی دراثر نفوذ وتأثیر فرهنگ‌های بیگانه غنی شده و به‌صورت دستگاه «هندوستانی» درآمده بود ، معهذا رقص کلاسیك درآن سامان انحطاط یافت وشعله‌اش فرومرد و برجای‌آن هنرهای آمیختهٔ دیگری پدیدار شد . اما چای خوشبختی اینست که سنت رقص کلاسیك عامیانه وملی وابتکاری درجنوب هند همچنان دست نخورده ماند ودر اثرحمایت‌مستمر سلسله‌های پیاپی شاهان ونجبا، توسعه وبسط یافت . نیز بخاطرباید آورد که هرچند همهٔ اسلوب‌های عمدهٔ رقص از شیوهٔ اولیهٔ خود که برهنرهای‌عامیانهٔ محلی مبتنی بود ، منحرف شدند، «بهاراتا ناتیام» از همان‌آغازکار پیوسته برشیوهٔ «ناتیا شاسترا» که «آبهینایاگوپتا » وضع کرد استوار ماند، اگرچه بعضی عوامل دیگر در آن مستحیل شدند وآن را به‌صورت‌های پیشرفتهٔ کنونی درآوردند

برغم پیوستگی پردامنه‌ای که سنت‌اصلی وکهن رقص در هند داشت وهمچنان یکسره تسلسل خودرا حفظ کرد ونیز برخلاف حالات خاصی که اشکال بعدی رقص کم وبیش درنیمهٔ دوم قرن نوزدهم وربع اول قرن بیستم در هند فراموش شد . و علت عمدهٔ آن‌استیلا، بیگانگان براین کشور بود . هدف تبلیغات سو، «امپریالیست»های بیگانه درهند این بود که به‌غلط وانمود کنند که هنر هندی کهنه، خام، مخالف اخلاق، عوامانه وپست و حتی ابتدائی است . هندیانی که در انگلستان تحصیل کرده بودند

نیز قربانی این نوع تظاهر و ظاهر فریبی شدند و فکرشان چنان دیگرگون شد که پنداشتند هر آنچه که از آن غربیان است و در سامان آنان سر برکشیده بزرگ و خوب، و تقریباً آنچه که از آن خودشانست پست و کم بهاست.

دستگاه موسیقی «دواداسی» Devadasi که در گذشته سالیان دراز سنن کلاسیك رقص را در هند حفظ کرده بود، راه زوال پیمود.

رقص‌های مذهبی که در معابد اجراء می‌شد صورت رسمی بی‌جانی به‌خود گرفت. دیگر امیران و شاهان نامدار به این هنر ملی عنایتی نمی کردند و ستایشگران این نوع رقص‌ها تعدادی انگشت شمار از ثروتمندان و نوکیسه‌هائی بودند که به‌خیال ازدواج میفتادند. اگرچه «بهاراتاناتیام» در بعضی مراسم وخاصه درهنگام دعا وستایش خدایان اجرام می‌شد ولی بااینهمه خفتی گریانگیر انواع رقص شده بود. دورهٔ رواج وشکوه «دواسیس» نیز چندان باعزت واحترام توأم نبود و از کامیابی زیاد برخوردار نشد. باآنکه چندین خانواده از سنت های رقص موجود بود و هنوز هم استادان رقص نامداری زندگی می کردند، ولی کسی به‌ایشان توجهی نمی کرد و آنها سخت دلمرده و بیزار شده بودند.

مصلحان اجتماعی در زیر نفوذ غربیان ازاین‌همه حقایق آشکار و بیحرمتی‌هائی که نسبت به‌این فن شریف روا می‌داشتند سوءاستفاده کردند و رقص را منحط شمردند و نهضت «ضد ـ رقص» را برپا کردند. نیت ایشان این بود که این هنر باستانی را مخالف اخلاق وموجد شر و فساد قلمداد کنند واز جامعهٔ هند برانند. زنی به نام «میس تننت» (Miss Tenant) رنج‌راه برخود هموار کرد واز انگلستان رو به هند گذاشت و به «مدرس» آمد تا هندوهای با سواد را که جایگاهی در اجتماع داشتند

ترغیب کند که به یکباره از این هنر بیرند وحتی کار را تابه‌آنجا رساند که از آنها امضاء گرفت که دیگر کارشان به کار این رقصها نباشد و پیوسته برسر قول‌خودبمانند.
دولت بیگانه علاقی به‌هنر باستانی هند نداشت. و به‌این ترتیب غنی‌ترین سنت رقص هند به‌دست فراموشی وتباهی سپرده شد؛ تنها دوسه صورت ازآن درجنوب‌هند درمیان خانواده‌هایی که این‌هنر را همچنان برضد اوضاع واحوال یأس‌آور حفظ می‌کردند، باقی‌ماند.

بااین‌همه‌شاعر ارجمند «رابیندرانات‌تاگور» Rabindranath Tagore که درسال ۱۹۱۷ رقص‌های «مانی‌پوری» را به حالت طبیعی خود دیده بود سخت ازآنها متأثرشد وکوشش کرد که بوسیلهٔ معرفی کردن این نوع رقص درمحفل هنری خود در «شان‌تسینی کتان» (Shantiniketan) از سرنو آن‌را احیاء کند. بنظر می‌رسد که سفر «آناپاولوا» Anna Pavlova به‌هند که درسال ۱۹۲۹ دست داد برای احیاء این رقص‌های باستانی جنبشی‌درایالات شهرنشین پدیدآورد. «اودی‌شانکار» (Uday Shankar) که ازقرار معلوم شیوهٔ کار این بانورا پسندیده بود رقص‌هایی‌را که خودش‌اجراء می‌کرد تکامل وبسط داد و به‌همراهی گروهی ازرقاصان هندی به سفر وعرضه کردن این هنر باستانی درکشورهای غرب پرداخت. «مناکا» (Menaka) نیز که یکی از بانوان فاضل شهر «بمبی» بود بااطلاعات کافی که از شیوهٔ «کاتاك» داشت به‌آموختن این رقص شروع کرد و مانند «اودی» هر خود را به‌غربیان عرضه کرد ودریی نام وشهرت روبه‌دیارآنان گذاشت.

نویسندهٔ این مقاله که ازشاگردان آماتور «مؤسسهٔ دراماتیك مدرس» بودو رقص «بهاراتا ناتیام» را نزد یکی از استادان سرآمد فن به‌نام «مراتورناتسالیر» (Meratur Natesa Lyer) آموخته بود از سال ۱۹۲۶ در «تامیل‌ناد» (Tamil Nad) اوقات‌خودرا درراه احیاء این رقص صرف کرد. و چون دریافت که این رقص یکی از غنی‌ترین وکاملترین گنجینه‌های هنر کلاسیك هند است و نیز بر نطق‌های پردامنه و بدلجنی که رهبران نهضت «ضد رقص» در ذم این هنر ایراد می‌کردند، تأسف می‌خورد برای جلب‌کردن مردم و برانگیختن علاقهٔ آنان به این رقص به مبارزهٔ دامنه‌داری دست زد و آن را برای چندین سال همچنان ادامه داد.

سرانجام فرصتی مناسب برای احیاء این رقص پیش‌آمد؛ به این معنی که بالاخره کوشش‌های شش‌سالهٔ نویسنده دردسامبر ۱۹۳۲ به‌موفقیت انجامید ومیان او ازیك طرف ویکی‌از رهبران نهضت «ضدرقص» از طرف دیگر دربارهٔ ماهیت‌رقص «بهاراتاناتیام» ولزوم احیاء مجددآن، جدال قلمی سختی دریکی ازروزنامه‌های‌عمومی هند درگرفت. این جدال سبب شدکه درسرتاسر هند چشمان مردم باز شود و به‌غنا وعظمت هنر رقص واهمیت آن در زندگی ملی خود واقف‌گردند ونیز دریابند که

هرچه زودتر به‌احیاء این هنر کمر باید بست و به‌آن رونق و رواج بخشید. در نتیجه موجی عظیم از شور واحساسات عامهٔ مردم بطور نامنتظر در پهنهٔ کشور هند روان شد وجمعیت های بیشمار دوباره به‌حمایت از اجرای رقص همت کردند.

پس‌ازاین‌جدال درروز اول ژانویهٔ ۱۹۳۳ عده‌ای از دخترکان رقاص رقص «بهاراتا ناتیام» را درمحوطهٔ سخنرانی «فرهنگستان موسیقی مدرس» اجراء کردند. در سال ۱۹۳۱ پیش از اینکه جدال برسر این رقص آغاز شود، هنگامی که همین رقاصان «بهاراتا ناتیام» را اجراء کردند گروهی اندك از اشخاص ناباب و آنهائی

که این هنر را درست نمی‌شناختند گرد آمدند تا آن را تماشا کنند. اما پس از اینکه این جدال درروزنامه منعکس شد و برای بار دوم این همین رقاصان درروز اول ژانویه ۱۹۳۳ «بهاراتا ناتیام» را اجرا کردند گروهی بیشمار از اشخاص برجسته از برای تماشا گرد آمدند. بدین ترتیب می‌توان گفت که رستخیز «بهاراتا ناتیام» و احیای آن درروز اول ژانویهٔ ۱۹۳۳ آغاز شد.

در سال ۱۹۳٤ نگارنده رقاص «بالاساراس واتی» (Balasaraswathi) را برای شرکت در کنفرانس موسیقی سرتاسر هندوستان واجرای «بهاراتا ناتیام» به «بنارس» برد. پسر شاعر بزرگ «گورودوتاگور» (Gurudev Tagere) نیز در آن هنگام به‌مناسبت یکی از کارهای دانشگاهش آنجا بود. ظاهراً حواس او متوجهٔ این بود که نسل‌های فعلی بایستی نشان بدهند که لیاقت میراثی را که از اسلاف نابغه‌شان به ارث برده‌اند، دارند. ازآن هنگام تاکنون «بالاساراس واتی» چندین سفر پی درپی به‌شمال هند رفته وهنرخودرادر برابر تماشاییان بیشمار عرضه کرده‌است واز این رهگذر به‌معرفی این رقص و برانگیختن حس اعجاب وتحسین تماشاگران کمک بسیار کرده‌است. هنر - پیشگان دیگری نیز مانند «وارالاکش‌می» (Varalakshmi) و «بهانو ماتی» (Bhanumathi) سفرهایی به‌شمال کرده ودرمعرفی وشناساندن «بهاراتا ناتیام» سخت کوشیده اند.

بااین‌همه «بهاراتا ناتیام» هنوز دردست نماینده‌های طبقهٔ حرفه‌ای قدیم بود اینان «دواداس»ها بودند که سنت رقص دردستهاشان همچنان سخت ویکنواخت باقی مانده بود. ازجانب دیگر خطراتی‌هم از طرف مصلحان اجتماعی سخت کوش متوجهٔ این رقص بود. ولی تاسال ۱۹۳۷ دوهنرپیشهٔ تربیت شده که از خانواده‌های معتبر وسرشناسی بودند - یکی «کالانیدی» (Kalanidhi) دختر کی جوان ازشهر «میلاپور» (Mylapore) ودیگری «روکمانی‌دوی» (Rukmani Devi) اهل‌شهر «ادیار»

(Adyar)- دردن افراشتند و پس ازاینکه مدتی به آموختن «بهاراتا ناتیام» سرگرم شدند و آن‌را نیك فراگرفتند، فصلی تازه درتاریخ رستخیزی که درهنر رقص روی داد، گشودند. وپس ازآنها دختران دیگری از خانواده‌های طبقهٔ متوسط کارشان رادنبال کردند ودرسال‌های بعد باشاعهٔ این رقص پرداختند وامروز این هنر چنان محبوب و محترم شمرده می‌شود که درهمه‌جا از فقیر وغنی به پیشرفت و توسعهٔ آن همت کرده‌اند.

بندرت هفته‌ای می‌گذرد که یك «آرانگت‌رایادی»(Arangetrapadi)-یا مراسم اجرای رقص «بهاراتا ناتیام»- به‌توسط یك هنرپیشهٔ تازه برگزار نشود.

پنج‌سال پس‌از شبی که این شیوه برای باراولین اجرا، شد ویك سال پس‌از اینکه رقاصان حرفه‌ای اسم ورسمی کسب کردند، «روکمانی دوی» در عرصهٔ این هنر ظاهرشد. پرداختن این هنرپیشه به‌کار رقص نه‌همان شأن‌ومرتبهٔ این هنررابالا برد، بلکه ارزش شخصیت عالی «دوی» را معلوم کرد و حرکات ونرمش بدن اورا در حین‌رقص که بسیارنرم‌وسیال بود و به‌رقص حالتی دلاویز می‌بخشید، آشکارساخت. این رقاص در شیوه لباس‌هانیز اصلاحات دلپسندی کرد و در زمینهٔ سنت اجرای‌رقص وحالات و وضع صحنه سازی‌آن تغییراتی به‌عمل‌آورد. ازآن‌روز تاکنون در اثر زیاد شدن روزافزون تعداد زنان رقاص باتربیت وتربیت یافته که خودرا وقف هنر کرده بودند، این رقص بیش ازپیش صافی وخالص شد واجر وقربی یافت.

ازآن پس عدهٔ بسیاری از خانواده‌های طبقهٔ متوسط که می‌خواستند تسهیلاتی فراهم‌آید تادخترانشان بتوانند به‌فراگرفتن این‌رقص بپردازند، پی‌درپی به‌جستجوی مربی رقص برآمدند وبرای برطرف کردن حاجت آنان مؤسساتی برای تعلیم رقص بوجودآمد. ازمیان‌این‌مؤسسات‌وانجمن‌هابا«انجمن‌رقص» «کالاکشترا»Kalakshetra در شهر«ادیار» و«انجمن‌هنرهای زیبا»ی هند درشهر «اگمور» (Egmore) بسیار ممتازاند ودرتربیت‌عده‌ای‌ازهنرپیشگان ماهروورزیده کمك فراوان کرده‌اند. ازاینها گذشته «ناتوانار»ها (Nattuvanar) یا«مربیان‌رقص»اهل جنوب هند از طرف خانواده‌ها برای تعلیم‌رقص دعوت شده‌اند و اکنون بادرآمدهای خوب در خانهٔ شاگردانشان یا در انجمن‌های عمومی به‌تعلیم وتربیت دختران رقاص سرگرمند.

هنر رقص «بهاراتا ناتیام» از چنگ نسیان و زوال وتباهی که در بیست و پنج سال پیش تهدیدش می‌کرد، رهایی یافت. تعصبات اجتماعی که برضد آن وجود داشت اکنون همه از میان رفته و راه صاف شده است. درسرتاسر هند بسرگروه دوستاران این رقص افزوده شده است و همهٔ مردم هرروز بیش ازروز پیش از آن حمایت وپشتیبانی می‌کنند. اطلاعاتی در بارهٔ این هنر و درك ارزش‌های نسبی

اسلوب‌های گوناگون رقص هندی وسایر شیوه‌های رقص دردسترس همهٔ مردم قرار گرفته است . از همهٔ اینها گذشته، اکنون دیگر رقص « بهاراتا ناتیام » نه همان در هندمعروف‌خاص وعام‌است بلکه درکشورهای بیگانه نیز این‌شیوه بهترین ومهمترین دستگاه رقص کلاسیك هندی شمرده می‌شود . این موفقیت‌هایی که درعرض بیست و پنج سال درزمینهٔ احیای این هنر ازیاد رفته نصیب هندیان شده چندان کم‌بها و ناچیز نیست و به‌آن افتخار باید کرد .

ترجمهٔ جواد امامی

«مد» روز...

برودی در شهر استکهلم اپرای جدیدی بنام «آنیارا» برای نخستین‌بار بروی صحنه خواهد آمد که موضوع آن مسافرت بسیارات خواهد بود... بعضی از قهرمانان این اپرا انسان‌های مصنوعی هستندکه ـ بااینحال ـ آواز میخوانند...